

پیش‌بینی پایگاه‌های هویتی دانش‌آموزان دبیرستانی دختر و پسر مرتبط با غیر همجنس بر اساس پاره‌ای از ویژگی‌های دموگرافیک و روان‌شناختی آن‌ها در شهر تهران

ملیحه محمودی قهساره^۱، رحمت اله نورانی پور^۲، بهرام صالح صدق پور^۳

چکیده

زمینه و هدف: کسب هویت منسجم در زمینه‌های مختلف زندگی مؤثر است و عوامل متعددی نیز در آن دخیل هستند. به این دلیل بررسی عوامل مؤثر بر پایگاه‌های هویتی در دانش‌آموزان، ضروری به نظر می‌رسد و هدف این پژوهش پیش‌بینی پایگاه‌های هویتی دانش‌آموزان دبیرستانی دختر و پسر مرتبط با غیر همجنس بر اساس پاره‌ای از ویژگی‌های دموگرافیک و روان‌شناختی آن‌ها بود.

مواد و روش‌ها: طرح تحقیق از نوع مقطعی و با روش همبستگی بود که در جامعه دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی مشغول به تحصیل در سال ۱۳۸۵ در شهر تهران که با غیر همجنس خود ارتباط داشتند، انجام شد. نمونه این پژوهش شامل ۲۰۰ دانش‌آموز دبیرستانی (۱۰۱ دانش‌آموز پسر و ۹۹ دانش‌آموز دختر) بود که از طریق روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب گردید. اطلاعات با استفاده از دومین پرسش‌نامه گسترش یافته سنجش عینی منزلت هویت من و پرسش‌نامه مقیاس عشق اشتراک‌نگ به دست آمد و با روش‌های آماری توصیفی و استنباطی (تحلیل رگرسیون چند متغیری) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد هیچ یک از متغیرهای تحقیق با پایگاه هویت یافته، رابطه معنی‌دار نداشت. متغیر جنسیت با پایگاه در حال هویت یابی ($F = 13/857$, $P < 0/01$)، متغیرهای ترتیب تولد، هیجان، صمیمیت و جنسیت با پایگاه هویت زودرس ($F = 4/595$, $P < 0/01$) و متغیرهای صمیمیت و هیجان با پایگاه هویت سردرگم رابطه معنی‌داری داشتند ($F = 16/648$, $P < 0/01$).

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج به دست آمده، می‌توان گفت که رشد هیجانی مطلوب فرد با تشکیل هویت وی مرتبط است. پس توجه به تمام ابعاد رشد از جمله رشد اجتماعی-هیجانی در کنار رشد عقلی و جسمانی می‌تواند هدف مربیان تعلیم و تربیت قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: پایگاه هویتی، دانش‌آموز دبیرستانی، رابطه با غیر همجنس، ویژگی دموگرافیک، ویژگی روان‌شناختی، جنسیت.

نوع مقاله: تحقیقی

پذیرش مقاله: ۸۸/۴/۱۰

دریافت مقاله: ۸۷/۱۰/۲۱

مقدمه

دوره نوجوانی، حساس‌ترین دوران از زندگی هر فرد محسوب می‌شود. این دوره اغلب با بلوغ آغاز می‌شود که در آن، فرد از لحاظ جسمی و روحی دچار تغییرات فراوانی می‌شود (۱). این تغییرات، نوجوان را وادار می‌سازد که به یگانگی و ثبات در

E-mail: mahmoodi_1886@yahoo.com

۱- کارشناس ارشد، گروه مشاوره، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

۲- دانشیار، گروه مشاوره و راهنمایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳- استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید رجایی، تهران، ایران.

تعریف خود بیندیشد و به دنبال آن باشد که هویت خود را مستقل از دیگران شکل دهد و بتواند برای زندگی خود معنایی پیدا کند (۲). ایجاد هویت به معنای آن است که نوجوان بداند کیست؟ چه چیزهایی برای او ارزش محسوب می‌شود؟ و چه راه‌هایی را برگزیده، در زندگی خود دنبال کند؟ (۳). هر چند کاوش در زمینه هویت در طول زندگی اهمیت اساسی دارد، ولی در دوره نوجوانی بیش از همیشه واجد اهمیت است. در این دوره، دگرگونی‌های تحول‌حالی بحرانی را ایجاد می‌کند و نوعی قطع مفهوم خود را به دنبال دارد. نوجوان برای ساخت هویت خود در یک زمان با دو گروه از امور درگیر است؛ او می‌بایست هم با تغییرات درونی، شناختی و بدنی خود سازگار شود و در همان زمان ناگزیر از سازگاری با مجموعه‌ای از نظام بخش‌ها و نظام‌های بیرونی است و او در خلال درگیر شدن با این مسایل باید هویت خود را بسازد (۴). Erikson (۱۹۸۲) به نقل از Lahey، "وحدت هویت" در برابر "سردرگمی نقش" را تعارض دوره نوجوانی می‌داند (۵). در بسیاری از نوجوانان عناصر هویت تثبیت می‌شود و آن‌ها به هویت دست پیدا می‌کنند، اما عدم توانایی در حل این تضاد، منجر به سردرگمی در نقش هویت برای فرد می‌شود. رشد هویت و در واقع یافتن هویت تأثیر مهمی بر عملکرد و تعاملات نوجوانان با دیگران، توانایی در تصمیم‌گیری، انجام موفقیت‌آمیز امور تحصیلی و انجام رفتارهای مورد تأیید جامعه داشته، همچنین باعث ورود بدون مشکل و فشار به مراحل بعدی رشد می‌شود. از طرف دیگر رشد نامناسب هویت باعث ایجاد مشکلاتی برای نوجوان می‌گردد که از جمله می‌توان به عدم توانایی در تصمیم‌گیری‌های مهم، مشکلات رفتاری، شکست‌های پیاپی تحصیلی، سوء مصرف مواد و عدم توانایی در برقراری ارتباط سالم با دیگران اشاره کرد (۴). عوامل متعددی نیز در دستیابی به هویت مؤثر هستند که می‌توان جنسیت، عوامل اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، ویژگی‌های شخصیتی و شناختی، ترتیب تولد، فاصله سنی فرزندان در خانواده، رفتار نوجوان و عوامل مربوط به والدین و مدرسه را نام برد (۶). یافته‌های Bersonsky و Kuck (۲۰۰۰) به نقل

از غضنفری (۶) و همچنین یافته‌های حاجی (۷) و مظلوم (۱) نشان داد که دختران نسبت به پسران بیشتر در هویت سردرگم قرار می‌گیرند. Barker و Ferjive (۱۹۸۶) به نقل از نصرتی گزارش دادند که زنان نمره بالاتری در هویت سردرگم کسب کرده‌اند (۴). مطالعه فیض درگاه نیز نشان داد بیشتر دختران دبیرستانی دارای هویت شغلی مغشوش و تنها درصد کمی از آنان دارای هویت موفق بودند (۸). یافته‌های Barker و Ferjive (۱۹۸۶) به نقل از نصرتی (۴) و یافته غضنفری (۶)، حاکی از آن بود که زنان نمره بالاتری در پایگاه هویتی در حال هویت یابی کسب کرده‌اند. Meed (۱۹۸۳) و Abraham (۱۹۸۴) به نقل از نصرتی (۴) نشان دادند که زنان نسبت به مردان نمره بیشتری در مقیاس هویت موفق کسب کرده‌اند؛ این در حالی است که مطالعه مظلوم (۱) و حاجی (۷) حاکی از هویت موفق بیشتر در پسران بود. نتایج مظلوم (۱) و حاجی (۷) نشان داد دختران بیشتر دارای هویت زودرس بودند، در حالی که یافته‌های غضنفری (۶) خلاف این را نشان می‌دهد. Adams و Fitch (۱۹۸۲) و Abraham (۱۹۸۴) به نقل از نصرتی (۴) و مطالعات موسوی‌پور (۹)، راستگو مقدم (۱۰)، حسینی طباطبایی (۱۱)، شیخ روحانی (۱۲)، شکرایی (۱۳) و افراسیابی (۱۴) رابطه معنی‌داری بین جنسیت و پایگاه هویتی به دست نیاوردند. Marcia (۱۹۸۲) اظهار می‌دارد ایجاد یک احساس هویت اغلب قبل از ۱۸ سالگی اتفاق نمی‌افتد. بنا به گفته Durkin (۱۹۹۵)، درصد زیادی از افراد در اوایل نوجوانی در هویت زودرس یا هویت سردرگم قرار دارند. پژوهش Milman (۱۹۷۹) نشان داد که پایگاه‌های هویتی به طور وسیعی با سن در ارتباط است. افراد جوان‌تر بیشتر در پایگاه‌های هویتی سردرگم و زودرس طبقه‌بندی می‌شوند؛ در حالی که از سن ۱۸ سالگی به بعد نسبت نوجوانانی که در پایگاه هویت موفق طبقه‌بندی می‌شوند، افزایش می‌یابد (۴).

بررسی تحولی هویت من در خلال دوره دانشجویی توسط پژوهشگران متعدد از جمله Waterman و Waterman (۱۹۷۱) و Imbimbo (۱۹۹۴) بیانگر این واقعیت است که

Kroger (۲۰)، Steiberg (۱۹۹۹) (۲۱)، Skaltis و Blostin (۱۹۹۴) به نقل از Samulis و همکاران (۲۲) نشان داد افراد دارای هویت زودرس بیشترین صمیمیت را در روابط با والدین دارند. مطالعه مرجان فرزانه‌خو و همکاران نشان داد بین عملکرد خانواده و هویت‌های سردرگم، زودرس و در حال هویت یابی رابطه وجود دارد (۲۳). همان مطالعه نیز نشان داد اگرچه عملکرد خانواده بر شکل‌گیری هویت مؤثر است، اما میزان این تأثیر می‌تواند در فرهنگ‌های مختلف متفاوت باشد. مطالعه شاره و همکاران نشان داد هر چه فرد بحران هویت کمتری تجربه کرده و به تعهد کمتری رسیده باشد، احتمال فرار از خانه در او بیشتر دیده می‌شود (۲۴). مطالعه دهشیری نشان داد بین دینداری و بحران هویت و نیز بین پیشرفت تحصیلی و بحران هویت رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد، ولی بین بحران هویت با متغیرهای میزان درآمد خانواده، میزان تحصیلات پدر و مادر رابطه‌ای مشاهده نشد. همچنین نتایج روان‌سنجی نشان داد که بین دختران و پسران از لحاظ دینداری تفاوتی وجود ندارد، ولی از لحاظ بحران هویت تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ به طوری که دختران بحران هویت بیشتری دارند (۲۵). همان طور که ملاحظه می‌شود برخی متغیرها مثل جنسیت، سن و ... در برخی از پژوهش‌های خارجی و داخلی با پایگاه‌های هویتی رابطه معنی‌دار داشت. به این ترتیب پژوهش در این زمینه و شناسایی عواملی که در نیل به این هدف هستند یا اختلال ایجاد می‌کنند، حایز اهمیت است. لذا هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه بین متغیرهای صمیمیت، هیجان، تعهد، جنسیت، رشته تحصیلی، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، سطح تحصیلات فرد، تعداد خواهر و برادران، ترتیب تولد و سن با پایگاه‌های هویتی در افرادی که با غیر همجنس خود رابطه داشتند، بود.

مواد و روش‌ها

این تحقیق مقطعی به روش همبستگی در سال ۱۳۸۵ در جامعه دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی مشغول به تحصیل در شهر تهران که با غیر همجنس خود رابطه داشتند، انجام

بحران هویت در خلال نوجوانی به پایان نمی‌رسد. Waterman ضمن بررسی موضوع تحول هویت از نوجوانی تا بزرگسالی با استناد به مطالعه Huward (۱۹۶۰)، Lawae (۱۹۷۶)، Pumarants (۱۹۷۶) و Archer (۱۹۸۱) نتیجه‌گیری کرده است که با وجود تغییرات اندک در هویت نوجوانان، درصد کمی از آنان تا پایان نوجوانی به هویت یابی نایل می‌شوند (۱۵). Lavieh (۱۹۷۶) به نقل از نصرتی (۴)، تحقیق حسینی طباطبایی (۱۱) و راستگو مقدم (۱۰) نشان داد که با افزایش سن، فرد در پایگاه هویتی مطلوب‌تری قرار می‌گیرد. اما مطالعات شیخ روحانی (۱۲) و ادبی (۱۶) رابطه سن و افزایش هویت را تأیید نمی‌کند. یافته‌های نصرتی نشان داد در سن ۱۶ و ۱۸ سالگی پایگاه هویتی سردرگم، کمترین نمره را در مقیاس‌های نامطلوب (دلبستگی، اعتماد و ارتباط) و بیشترین نمره را در بیگانگی به همسالان به دست آورد و در سن ۱۸ سالگی، بالاترین نمره مطلوب در هویت زودرس و پایین‌ترین نمره در هویت سردرگم به دست آمد و دو پایگاه دیگر بین این دو قرار داشتند (۴). نتایج پژوهش حاجی نشان دهنده پایین بودن حرمت خود، فقدان توانایی انعطاف‌پذیری در مقابل استرس و بیان حالات شخصی، معین نبودن هدف، پایین بودن سطح شناختی، تکانشگر بودن و مشکل داشتن در دوستی و صمیمیت در افراد با پایگاه هویتی سردرگم بود (۷). نتایج پژوهش Bersonsky (۲۰۰۵) به نقل از فرتاش نشان داد افراد با پایگاه هویتی سردرگم در برقراری روابط دوستی و حفظ شبکه حمایت اجتماعی دچار مشکل هستند. آن‌ها روابط ضعیفی را با همسالان خود برقرار می‌کنند که به لحاظ صمیمیت در سطح پایینی قرار دارد (۱۷).

نتایج پژوهش Sternberg نشان داد افراد با پایگاه هویتی سردرگم اغلب بی‌احساس و بی‌علاقه به نظر می‌رسند، بالاترین سطح مشکلات روان‌شناختی و بین فردی را نشان می‌دهند و از لحاظ اجتماعی بسیار گوشه‌گیر هستند (۱۸). یافته‌های Withbourne و همکاران (۱۹)، فرتاش (۱۷) و Bersonsky (۲۰۰۵) به نقل از فرتاش نشان داد بین پایگاه هویتی زودرس و صمیمیت رابطه معکوس وجود دارد (۱۷). نتایج پژوهش

شد. از آن جا که در تحلیل مسیر و تحلیل رگرسیون یکی از روش‌های تعیین حجم نمونه بر اساس ویژگی ابزار است، برای هر یک از مؤلفه‌های ابزار، ۲۰ آزمودنی در نظر گرفته می‌شود (۲۶). با توجه به ابزارهای موجود در این پژوهش، حجم نمونه ۲۲۰ نفر تعیین شد (۱۱۰ دانش‌آموز پسر و ۱۱۰ دانش‌آموز دختر) که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند؛ به علت ریزش آزمودنی‌ها ۱۰۱ پسر و ۹۹ دختر در بررسی باقی ماندند. با حضور در کلاس‌ها و با جلب رضایت دانش‌آموزان به همکاری به شیوه فردی و گروهی، اطلاعات از طریق دومین پرسش‌نامه گسترش یافته سنجش عینی منزلت هویت من و پرسش‌نامه مقیاس عشق اشرنبرگ در مدت زمان حداکثر سی دقیقه جمع‌آوری شد. در نهایت داده‌های خام به روش‌های آماری توصیفی و استنباطی (تحلیل رگرسیون چند متغیری) از طریق نرم‌افزار SPSS^{۱۴} مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار سنجش

۱- پرسش‌نامه گسترش یافته سنجش عینی منزلت هویت من (Extended Objective Measure Ego Identity Status): این پرسش‌نامه که نسخه اصلی آن به زبان انگلیسی است، فرم تکمیل شده پرسش‌نامه EOM-EIS1 می‌باشد که خود نیز فرم تکمیل شده آزمون OM-EIS است. OM-EIS در سال ۱۹۷۹ توسط Adams، Shea و Fitch در سه حیطه شغل، سیاست و مذهب ساخته شد. در سال ۱۹۸۴ Grotewant و Adams با تفکیک جنبه عقیدتی و بین شخصی، با توسعه پرسش‌نامه سنجش عینی منزلت هویت من (OM-EIS)، اولین پرسش‌نامه گسترش یافته سنجش عینی منزلت هویت من را ساختند. در سال ۱۹۸۶ Adams و Benion با اصلاح این پرسش‌نامه به خصوص در بخش بین شخصی و برخی موارد مبتنی بر روان‌سنجی، دومین پرسش‌نامه گسترش یافته سنجش عینی منزلت هویت من (EOM-EIS2) را با حفظ همان ساختار و با همان ۶۴ سؤال مورد اصلاح قرار دادند (۷). این پرسش‌نامه دارای ۶۴ سؤال

شامل دو بعد هویت ایدئولوژیک و بین فردی می‌باشد که هر بعد شامل ۳۲ سؤال است. هر بعد دارای چهار خرده مقیاس سردرگم، زودرس، در حال هویت یابی و هویت یافته و چهار حیطه مخصوص به خود می‌باشد. هویت ایدئولوژیک شامل حیطه‌های شغل، مذهب، سیاست و سبک زندگی و هویت بین فردی نیز شامل حیطه‌های نقش جنسی، روابط دوستانه، روابط با جنس مخالف و تفریح و سرگرمی می‌باشد. سهم هر یک از حیطه‌ها و خرده مقیاس‌ها در هر بعد ۸ ماده است که هر یک از پایگاه‌ها ۲ آیتم را به خود اختصاص داده است. آزمودنی‌ها برای پاسخ به این سؤالات از یک مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرتی از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق با مقیاس فاصله‌ای استفاده می‌کنند (۲۷). بعد از پاسخ به سؤالات می‌توان برای آزمودنی‌ها یک هویت بین فردی و یک هویت ایدئولوژیکی مشخص نمود. با ترکیب این دو بعد نیز می‌توان پایگاه هویتی فرد را به طور کلی معین ساخت (۴). آقا سلطانی ضریب پایایی این پرسش‌نامه را با روش تنصیف برای هویت سردرگم ۰/۶۵، هویت زودرس ۰/۷۷، در حال هویت یابی ۰/۶۷ و هویت موفق ۰/۷۶ گزارش داده است (۲۸). آلفای کرونباخ در این پژوهش نیز ۰/۷۶ به دست آمد. Adams و همکاران (۱۹۸۹) ضمن بررسی پژوهش‌های مختلف، روایی همزمان این پرسش‌نامه را با استفاده از سایر مقیاس‌های سنجش هویت مانند پرسش‌نامه Rosental و همکاران، جملات ناتمام Marcia و پرسش‌نامه سنجش قدرت من Trassill، همبستگی متوسط به بالا گزارش داده است (۲۷).

۲- مقیاس عشق اشرنبرگ (Sternberg love scale): این پرسش‌نامه که توسط اشرنبرگ در سال ۱۹۸۶ تهیه شده است، دارای ۴۵ سؤال در سه جزء صمیمیت، هیجان و تعهد می‌باشد. در پاسخ به آزمون فرد از یک مقیاس ۹ درجه‌ای از ۱ = اصلاً، ۵ = به طور متوسط تا ۹ = به طور کامل استفاده می‌کنند. وقتی نمره فرد مساوی و کمتر از میانگین (۷/۵) باشد، نمره ضعیف و وقتی بالاتر از میانگین باشد، نمره قوی می‌گیرد. پس با مشخص شدن این که فرد در هر خرده مقیاس نمره ضعیف یا قوی به دست آورده است،

یافته‌ها

کلیه افراد مورد مطالعه (۱۰۱ نفر پسر و ۹۹ نفر دختر) در دامنه سنی ۱۹-۱۴ سال با میانگین سنی $15/9 \pm 1/29$ سال بودند که ۳۲ درصد آن‌ها در گروه علوم انسانی، ۲۶ درصد گروه ریاضی فیزیک، ۱۷ درصد گروه تجربی و ۳ درصد رشته‌های دیگر قرار داشتند و ۲۳/۵ درصد نیز به این سؤال پاسخ نداده بودند.

جدول ۱. تحلیل واریانس مربوط به رگرسیون پایگاه در حال هویت یابی و جنسیت

منابع تغییر	درجه آزادی	F	P value
رگرسیون	۱		
باقی مانده	۱۵۱	۱۳/۸۵۷	۰/۰۰۱
کل	۱۵۲		

جدول ۱ نشان می‌دهد که از بین متغیرهای پیش‌بینی کننده، جنسیت همبستگی معنی‌داری با پایگاه در حال هویت یابی داشت. به منظور تعیین معنی‌دار بودن تغییرات تبیین شده از تجزیه و تحلیل واریانس استفاده گردید ($P < 0/01$ ، $F = 13/857$).

جدول ۲. تحلیل واریانس مربوط به رگرسیون پایگاه سردرگم و صمیمیت و هیجان

منابع تغییر	درجه آزادی	F	P value
رگرسیون	۲		
باقی مانده	۱۵۰	۱۶/۶۴۸	۰/۰۰۱
کل	۱۵۲		

یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که از بین متغیرهای پیش‌بینی کننده، صمیمیت و هیجان (به عنوان اجزای تشکیل دهنده عشق) بیشترین همبستگی را با پایگاه سردرگم داشت. به منظور تعیین معنی‌دار بودن تغییرات تبیین شده از تجزیه و تحلیل واریانس استفاده گردید ($P < 0/01$ ، $F = 16/648$).

سبک صمیمیت و عشق ورزی او مشخص می‌شود (۱۸). در زمینه پایایی و روایی این آزمون، Sternberg (۱۹۹۷) آلفای کرونباخ آن را ۰/۹۰ ذکر کرده است (۱۸). در این تحقیق آلفای کرونباخ ۰/۹۷ بود. برای به دست آوردن روایی این پرسش‌نامه از روش‌های مختلفی استفاده شده است؛ از جمله این روش‌ها، همبستگی کلی سؤالات می‌باشد که همبستگی خوبی را نشان می‌دهد. یکی دیگر از روش‌ها، تحلیل همبستگی متقابل می‌باشد که این همبستگی در درجه‌بندی مبتنی بر خصیصه‌ای، در خرده مقیاس صمیمیت و تعهد ۰/۷۳، تعهد و هیجان ۰/۷۳ و هیجان و صمیمیت ۰/۷۱ و در درجه‌بندی مبتنی بر مهم بودن، در خرده مقیاس‌های صمیمیت و تعهد ۰/۷۳، تعهد و هیجان ۰/۶۸ و هیجان و صمیمیت ۰/۴۶ به دست آمد و همبستگی در این دو درجه‌بندی بین ۰/۳۶ تا ۰/۶۰ بود (۱۸). روش دیگر تحلیل عاملی بود که نتایج نشان می‌دهد فاکتورهای موجود در پرسش‌نامه با همان چیزی که در تئوری مطرح شده بود، مطابقت داشت (۱۸). این پرسش‌نامه با مقیاس‌های عشق و مقیاس دوست داشتن Rubin نیز همبسته شدند که نتایج حاکی از همبستگی مطلوب بین این پرسش‌نامه با مقیاس عشق Rubin و به خصوص با خرده مقیاس هوس و عشق Rubin بود؛ در سنجش همبستگی در درجه‌بندی مبتنی بر خصیصه، صمیمیت و عشق Rubin ۰/۷۰، صمیمیت و دوست داشتن Rubin ۰/۶۱، هیجان و عشق Rubin ۰/۸۲، هیجان و دوست داشتن Rubin ۰/۵۱، تعهد و عشق Rubin ۰/۷۱ و تعهد و دوست داشتن Rubin ۰/۵۶ به دست آمد؛ همچنین نتایج این همبستگی در درجه‌بندی مبتنی بر مهم بودن، صمیمیت و عشق Rubin ۰/۵۲، صمیمیت و دوست داشتن Rubin ۰/۲۸، هیجان و عشق Rubin ۰/۷۱، هیجان و دوست داشتن Rubin ۰/۵۷، تعهد و عشق Rubin ۰/۶۸ و تعهد و دوست داشتن Rubin ۰/۵۷ به دست آمد (۱۸).

جدول ۳. تحلیل واریانس مربوط به رگرسیون پایگاه زودرس و ترتیب تولد، هیجان، صمیمیت و جنسیت

منابع تغییر	درجه آزادی	F	P value
رگرسیون	۴		
باقی مانده	۱۴۸	۴/۵۹۵	۰/۰۰۲
کل	۱۵۲		

یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که از بین متغیرهای پیش‌بینی کننده، ترتیب تولد، هیجان، صمیمیت و جنسیت بیشترین همبستگی را با پایگاه زودرس داشت. به منظور تعیین معنی‌دار بودن تغییرات تبیین شده از تجزیه و تحلیل واریانس استفاده گردید ($F = 4/595, P < 0/01$). تحلیل‌های انجام شده حاکی از آن بود که در پایگاه هویت یافته هیچ یک از متغیرها، پیش‌بینی کننده معنی‌دار متغیر ملاک نبودند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از هر تلاش و فعالیتی رسیدن به نتیجه مطلوب، مفید و کاربردی است و تلاش هر چند فراوان بدون نتیجه‌گیری هیچ ارزشی ندارد. این مطالعه به بررسی پیش‌بینی پایگاه‌های هویتی دانش‌آموزان دبیرستانی دختر و پسر مرتبط با غیر همجنس بر اساس پاره‌ای از ویژگی‌های دموگرافیک و روان‌شناختی آن‌ها در شهر تهران پرداخته است. بر اساس یافته‌های این مطالعه متغیر پیش‌بینی کننده جنسیت با متغیر ملاک پایگاه در حال هویت یابی رابطه دارد و دختران بیشتر در پایگاه در حال هویت یابی قرار می‌گیرند. این یافته با نتایج Barker و Ferjive (۱۹۸۶) همخوان است (۴، ۶). متغیرهای پیش‌بینی کننده صمیمیت و هیجان با متغیر ملاک پایگاه هویتی سردرگم رابطه دارد (باید اشاره شود که صمیمیت، هیجان و تعهد اجزای تشکیل دهنده عشق می‌باشند). سردرگمی در هویت با صمیمیت رابطه معکوس و با هیجان رابطه مثبت دارد. در مورد سردرگمی بیشتر، صمیمیت کمتر باید از مرحله صمیمیت در برابر انزوا (ششمین مرحله

Erikson) یاد کرد که در طی این دوره از والدین و سازمان‌های والدگونه مانند مدرسه، مستقل می‌شویم، به عنوان بزرگسالانی پخته و مسؤول شروع به کار می‌کنیم و به برقراری روابط صمیمانه با دیگران می‌پردازیم. طبق نظر Erikson رشد روابط صمیمی، وظیفه بسیار سخت و قاطع بزرگسالان جوان است (۲۹). صمیمیت همچنان به معنی احساس نگرانی و وفاداری، خود را بی‌پرده ابراز نمودن بدون متوسل شدن به وسایل محافظت از خود و بدون ترس از باختن احساس هویت خود است.

در یک رابطه صمیمی ما می‌توانیم هویت خود را با دیگری یکی کنیم یا به آن پیوند دهیم بدون این که آن را پنهان سازیم یا از دست دهیم. افرادی که قادر به برقراری روابط صمیمانه در اوان بزرگسالی نیستند، احساس می‌کنند منزوی هستند. آن‌ها از تماس‌های اجتماعی اجتناب نموده، دیگران را رد می‌کنند و حتی شاید نسبت به آن‌ها پرخاشگر نیز شوند. همچنین آن‌ها ترجیح می‌دهند تنها باشند، زیرا از صمیمیت می‌ترسند و آن را تهدیدی برای هویت من خود می‌دانند (۳۰). از طرف دیگر برخی از ویژگی‌های افراد با هویت سردرگم، پایین بودن حرمت خود، فقدان توانایی انعطاف‌پذیری در مقابل استرس و بیان حالات شخصی، معین نبودن هدف و پایین بودن سطح شناختی، تکانشگر بودن و مشکل داشتن در دوستی و صمیمیت می‌باشد (۷). افراد دارای این پایگاه اغلب بی‌احساس و بی‌علاقه به نظر می‌رسند، بالاترین سطح مشکلات روان‌شناختی و بین فردی را نشان می‌دهند و از لحاظ اجتماعی بسیار گوشه‌گیر هستند (۱۸). بنابراین منطقی به نظر می‌رسد که هر چه سردرگمی در هویت فرد بیشتر باشد، در ارتباط با دیگران صمیمیت کمتری از خود نشان می‌دهد. به نظر Benion و Adams (۱۹۸۵) به نقل از نصرتی (۴)، Bersonsky (۲۰۰۵) به نقل از فرتاش (۱۷) و Steiberg (۲۱) افراد با هویت سردرگم در برقراری روابط دوستی و حفظ شبکه حمایت اجتماعی دچار مشکل هستند، آن‌ها روابط ضعیفی را با همسالان خود برقرار کرده‌اند که به لحاظ صمیمیت در سطح پایینی قرار دارند. به نظر

Bersonsky و Kuck (۲۰۰۰)، Bersonsky (۱۹۹۸)، Benion (۱۹۸۸) و Kroger (۱۹۹۶) به نقل از غضنفری (۶) بین هویت سردرگم و روابط اجتماعی با دیگران رابطه منفی وجود دارد. در زمینه هیجان و سردرگمی در هویت نیز باید اشاره کرد محرکی که سبب توجه فیزیکی و وصول جنسی در رابطه عاشقانه می‌شود شامل منابع محرک و شکل‌های دیگر نزدیکی است که منجر به توجه به شهوت در یک رابطه نزدیک می‌شود (۱۸). افراد پایگاه هویتی سردرگم از هیچ لذت فردی چشم پوشی نمی‌کنند، چنین به نظر می‌رسد که هسته اصلی شخصیت (خود) فرد وجود ندارد و قبول و رها کردن سریع نقش‌های اجتماعی، او را فردی بدون خود نشان می‌دهد (۳۱). این افراد به دلیل تهی بودن، تن به لذت‌های کوچک می‌دهند و بنابراین به نظر می‌رسد هر چه سردرگمی در هویت در فرد بیشتر باشد، هیجان بیشتر می‌شود.

شایان ذکر است با توجه به بررسی‌های محقق، بین سردرگمی در هویت و هیجان تحقیقی یافت نشد. متغیرهای پیش‌بینی کننده ترتیب تولد، هیجان، صمیمیت و جنسیت با متغیر ملاک پایگاه هویتی زودرس رابطه دارد؛ به نحوی که بین ترتیب تولد، هیجان و پایگاه زودرس رابطه مثبت و بین صمیمیت، جنسیت و پایگاه زودرس رابطه منفی وجود دارد. فرزندهای بزرگ‌تر در خانواده، نقش‌های والدین را باید به ناچار قبول کنند. به همین دلیل احتمال می‌رود هر چه فرزند بزرگ‌تر باشد، زودرسی هویت در او بیشتر باشد.

همچنین بین ترتیب تولد و هویت زودرس نیز تحقیقی یافت نشد. افرادی که دچار زودرسی هویت می‌شوند، به دلیل موقعیت‌های خانوادگی، از طرف اعضای خانواده درک نمی‌شوند و به آن‌ها به عنوان یک نوجوان محبت نمی‌شود. آن‌ها باید بزرگ‌تر از سنشان رفتار کنند و مراقب رفتار خود باشند. بنابراین نوجوان در حسرت عشق پدر و مادر زود به صمیمت مربوط به دوران بزرگسالی می‌رسد و بیشتر با افراد

بزرگ‌تر از خودش ارتباط صمیمانه برقرار می‌کند و احتمال می‌رود این افراد توسط گروه همسال طرد شوند و نتوانند با آن افراد رابطه صمیمی برقرار کنند. وجود رابطه معکوس بین زودرسی در هویت با صمیمیت، با یافته‌های Withbourne و همکاران (۱۹)، فرتاش (۱۷) و Bersonsky (۲۰۰۵) به نقل از فرتاش (۱۷) همخوان و هماهنگ می‌باشد. افرادی که توانایی‌های بیشتری دارند به هویت‌های کامل‌تری دست می‌یابند و دستیابی به هویت کامل‌تر منجر به داشتن سبک عشق ورزی پیشرفته‌تر می‌شود. یکی از اجزای مهم سبک‌های عشق، هیجان است که افراد دارای هویت‌های پایین‌تر به این مقوله به عنوان لذت‌های کوچک و آنی می‌نگرند و به نظر می‌رسد این افراد وجود معشوق برایشان مهم نیست، بلکه وصل به معشوق و هیجانات کوچک آن برایشان مهم است و افراد پایگاه زودرس نیز جزء همین هویت‌های پایین‌تر حساب می‌شوند. با توجه به بررسی‌های محقق بین هیجان و پایگاه زودرس نیز تحقیقی یافت نشد.

در پایان باید اشاره داشت روش نمونه‌گیری در دسترس، به دلیل عدم همکاری آموزش و پرورش در اجرای پرسش‌نامه، استفاده گردید که این خود منجر به ضعف تعمیم‌پذیری یافته‌ها به کل جامعه می‌شود و از جمله محدودیت‌های این پژوهش به شمار می‌رود. بنابراین توصیه می‌شود جهت اجرای مطالعات با حجم نمونه بیشتر و دقیق‌تر تربیتی اتخاذ شود تا سازمان آموزش و پرورش با محققان همکاری بیشتری داشته باشند.

سیاسگزاری

بدین‌وسیله از گروه مشاوره دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی به خصوص سرکار خانم لادن منصور و کلیه دانش‌آموزان آموزشگاه‌های مورد مطالعه که نهایت همکاری را داشته‌اند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

References

1. Mazloom A. Study about relationship of identity status and child training style at college students in Tehran. [Thesis]. Tehran: Alzahra University; 2003. [In Persian].
2. Berger KS. The developing person through the life span. 5th ed. New York: Worth; 2001.
3. Lotfabadi H. Young and adolescence application development psychology. Tehran: Sazmane melli javanan; 2000. [In Persian].
4. Nosrati MS. Study of relationship between identity status and attachment style in son teens (14, 16, 18 years old) in Kamyaran. [Thesis]. Tehran: Shahid Beheshti University; 2004. [In Persian].
5. Lahey BB. Psychology; an introduction. 7th ed. New York: McGrow Hill (2001) .
6. Ghazanfari A. Investigation identity effect and comparison col-crisis on healthy fluent in collage and high school students in Isfahan. [Thesis for PhD]. Tehran: Allame Tabatabaee University; 2003. [In Persian].
7. Haji M. Investigation about effective factors on identity status formation in high school students in Mahabad. [Thesis]. Tehran: Shahid Beheshti University; 2004. [In Persian].
8. Feizedargah L. Study about identity development in adolescent girls with express at occupational identity at adolescence last. [Thesis]. Tehran: Alzahra University; 1995. [In Persian].
9. Mosavipoor S. Investigation relation between self recognition of cultural parents and not cultural with search of their child identity in Arak. [Thesis]. Tehran: Universsity of Tarbiat Moalem; 1996. [In Persian].
10. Rastgomoghadam M. Accupational solstitial study from adolescence to youth and its relation with school advance. [Thesis]. Tehran: University of Tehran; 1997. [In Persian].
11. Hosseini Tabatabaee F. Study about relation between identity status and comparison col-crisis style in teens at Mashad. [Thesis]. Tehran: Alzahra University; 1998. [In Persian].
12. Sheikrohani S. Study about relation identity status and anxiety and its relation with identity status, age, gender, school leg. [Thesis]. Tehran: Ferdosi University; 1999. [In Persian].
13. Shokraee Z. Iinvestigation and comparation identity status in girl and boy. [Thesis]. Tehran: Alame Tabatabaee University; 2001. [In Persian].
14. Afrasiabi M. Investigation relation among acuoational identity status and comparison col- crisis style or another – self levels in guilty youngster and normal in Tehran [Thesis]. Tehran: Alzahra University; 2001. [In Persian].
15. Ramezani R. Comparation of identity type in user collage students of moony and TV foreign channel and not using. [Thesis]. Tehran: Tarbiat Modares University; 2002. [In Persian].
16. Adabi R. Study about relationship between identity status and psyche Healthy in first and middle adolescence. Tehran: Alzahra University; 2000. [In Persian].
17. Fartash S. Relation between identity styles and identity commitment with friendship quality as for gender role and economic– social in year of third school. [Thesis]. Tehran: University of Tehran; 2005. [In Persian].
18. Sternberg RJ. Construct validation of a triangular love scale. *Social Psychology* 1997; 27(3): 313-35.
19. Whitbourne SK, Tesch SA. A Comparison of Identity and Intimacy Statuses in College Students and Alumni. *Proceeding of the 90th Annual Convention of the American Psychological Association*; 1982 August 23-27; Washington, DC.
20. Kroger J. Identity in adolescence: The Balance between self and other. 2nd ed. London: Routledge; 1996.
21. Steiberg L. Adolescence. New York: McGrow – Hill; 1999.
22. Samuolis J, Layburn K, Schiaffino KM. Identity Development and Attachment to Parents in College Students. *Youth and Adolescence* 2001; 30(3): 373-84.
23. Farzanekho M, Yar mohamadian A, Molavi H. Relation between family function and identity status in female students of high school in Isfahan city. *Journal of Bahavioral Sciences* 2009; 3(2): 135-42. [In Persian].
24. Shareh H, Agha mohamadian H. relation between identity statuses and girls flight from home. *Iranian Psychiatry and Clinical Psychology* 2007; 13(2): 122-7. [In Persian].
25. Dehshiri G. The relation between religiosity and identity crisis among high school students in the city of Yazd. *Quarterly Journal of Education* 2005; 21(1): 87–98. [In Persian].
26. Kline RB. Principles and Practice of Structural Equation Modeling. New York: The Guilford Press; 1998.
27. Rahiminezhad A. Identity solstitial investigation and its relation with self steem and stress situation in Bs students [Thesis for PhD]. Tehran: Tarbiat Modares University; 2000. [In Persian].
28. Alavi S, Hashemian K, Jannatifard F. Identity status and mental health in Internet – user students in Tehran University. *Behavioral Sciences Research* 2008; 6(1): 27-35. [In Persian].

29. Sedghi taremi AR. Relation between attachment styles and kinds of love in Shahid Beheshti University married students. [Thesis]. Tehran: Shahid Beheshti University; 2004. [In Persian].
30. Shults D, Shults SE. Personality theories. Trans. Seied Mohamadi Y. Tehran: Virayesh; 2000. [In Persian].
31. Golombok S, Fivash R. Trans. Shahraray M. Sexuality development. Tehran: Ghoghnos; 1999. [In Persian].

Prediction of identity statuses in high school female / male students which relate with other sex friend based in their demographic and psychological characters in Tehran city

Mahmoodi Ghahsareh M¹, Noranipoor R², Salehe sedghpoor B³

Abstract

Aim and Background: Achieve coherent identity is effective in many dimensions of life and many factors are effective in it. For this, study about effective factors at identity status in students is necessary and aim of this study is Prediction of identity statuses in high school female / male students which relate with other sex friend based in their demographic and psychological characters in Tehran city.

Method and Materials: The design of research was cross-section with correlational method in population of high school students that was studying in 1385 in Tehran city that relate with other sex friend. The sample in this study contained 200 students (101 males and 99 females) that they were chosen by available sampling. Data achieved with 2 questionnaires: Extended Objective Measure of Ego Identity Status and Sternberg love scale and analysed them with descriptive and inferential statistics (multiple analyses of regression).

Findings: The results showed for achieved identity any of variables didn't show meaningful relationship. Gender variable with moratorium identity ($P < 0/01$, $F = 13/857$), birthday, passion intimacy and gender variables with foreclosure identity, ($P < 0/01$, $F = 4/595$) intimacy and passion variables with diffusion identity were meaningful ($P < 0/01$, $F = 16/648$).

Conclusions: The results showed, some of demographic and psychological characters are effective in identity statuses.

Keywords: identity status, high school students, other sex friend, psychological and demographic character and gender.

Type of article: Research

Received: 11.01.2009

Accepted: 01.07.2009

1- MA of Counseling, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

E-mail: mahmoodi_1886@yahoo.com

2- Assistant Professor, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

3- Assistant Professor, Shahid Rajaee University, Tehran, Iran.